

## گونه‌شناسی و منبع‌یابی «قدرت نرم» مبتنی بر تحلیل محتوای آیات قرآن کریم

محمد عترت دوست<sup>۱</sup>

### چکیده

از جمله بایسته‌های دین مبین اسلام در مواجهه با مسائل مستحدثه و نظریات جدید، استنتاج از قرآن کریم و طرح پرسش از این کتاب آسمانی است، اما قبل از طرح بحث به منظور پاسخگویی به این سؤال که دین مبین اسلام چه نظری در باب موضوعات جدید دارد، پرداختن به «روش تحقیق» مناسب و کارآمد برای کشف و شناسایی آیات مرتبط با آن موضوع، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار بوده و گام اساسی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای برای تحول در حوزه علوم اسلامی است. از جمله نظریه‌های جدید مطرح شده در عصر اخیر، موضوع «قدرت نرم» و مؤلفه‌ها و منابع ایجاد آن در جوامع انسانی است. اگرچه این نظریه ابتدا توسط اندیشمندان غربی مطرح شده، اما این سؤال همواره مطرح بوده که نظر قرآن کریم در رابطه با موضوع قدرت نرم چیست و چه ملاحظاتی در این زمینه مطرح شده است. در این مقاله تلاش شده تا در یک رویکرد میان‌رشته‌ای و با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی»، به تحلیل کیفی مضامین مستخرج از آیات قرآنی پرداخته و گونه‌های قدرت، منابع قدرت و ملاحظات آن را از منظر قرآن کریم تبیین نماییم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند در قرآن کریم از دو گونه قدرت‌های جبهه حق و باطل سخن گفته شده و برای کسب قدرت نرم، چهار منبع حاکمیت الهی، عزت الهی، مالکیت الهی و قدرت الهی معرفی گشته است.

**کلیدواژگان:** قرآن کریم، قدرت نرم، گونه‌شناسی قدرت نرم، منابع قدرت نرم، روش تحلیل محتوای کیفی.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
dr.etratdost@gmail.com

## مقدمه

آیات متعددی در قرآن کریم بر این مطلب تأکید دارند که ریشه و اساس همه علوم مورد نیاز هدایت و قوام افراد و جوامع بشری در این کتاب آسمانی بوده: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) و کراراً انسان‌ها را به تعقل و تفکر در آموزه‌های این کتاب دعوت کرده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد: ۴)، «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (یس: ۶۸) و «كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس: ۲۴). بی‌شک، منظور از این آیات، بیان این مسئله است که اصول و مبانی کلی هر علم و دانشی در قرآن کریم بوده و راهکار پاسخگویی به کلیه نیازمندی‌ها و مسائل مستحدثه جوامع مدرن نیز از خلال توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم، قابل برداشت است. از این روی شایسته است اندیشمندان حوزه‌های مختلف دانش بشری، در کنار توجه تخصصی به مباحث رشته علمی خود، به این کتاب آسمانی به‌عنوان راهنمای کلی هدایت و سعادت نیز توجه کرده و آموزه‌های وحیانی آن را به‌عنوان تابلوهای راهنمایی و هدایت به سمت مسیر صلاح و فلاح، مدنظر قرار دهند.

از جمله نظریه‌های جدید مطرح شده در عصر اخیر، موضوع «قدرت نرم»<sup>۱</sup> و مؤلفه‌ها و منابع ایجاد آن در جوامع انسانی است. بدیهی است که اصول و کلیات این موضوع در قرآن مطرح شده است، اما چگونه می‌توان نظریه قرآن در خصوص انواع و منابع قدرت نرم را استخراج نمود؟ به‌منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، این پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه متن پژوهی، الگویی جهت استخراج بسیاری از موضوعات جدید و نوخاسته از نصوص دینی ارائه کرده و به‌عنوان نمونه یکی از این موضوعات را نقد و بررسی نماید.

فرضیه مطرح در این مقاله آن است که از منظر قرآن کریم، منابع نرم قدرت در عرض منابع سخت قدرت به‌شمار نمی‌آیند؛ بلکه منابع ذاتی و اولیه قدرت، هنجاری و تمامی منابع سخت‌افزاری موجود در صورت ارتباط با آن حوزه‌ی هنجاری است که معنا و مفهوم یافته و کارآمد ظاهر می‌شوند. به همین خاطر است که برقراری ارتباط بین «قدرت سیاسی» با «نظریه توحید» (به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم) و تلاش در راستای تقویت و صیانت از آن،

از جمله رسالت‌های اولیه و بنیادین نظام‌های اسلامی به شمار می‌آید؛ رسالتی که می‌تواند به ارتقاء جایگاه جامعه اسلامی و برتری آن در عرصه عمل سیاسی منتهی شود (ر.ک: افتخاری و هرسیچ و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۳۸).

اگرچه در رابطه با موضوع قدرت نرم در قرآن کریم، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است، ولیکن هیچ‌کدام به سؤالات اصلی این تحقیق اشاره ندارند. به‌عنوان مثال در مقاله «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب» صرفاً به یک مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی نظرات اندیشمندان غربی پرداخته شده و روشی برای استخراج نظریه و الگوی قدرت نرم از قرآن کریم معرفی نشده است (ر.ک: افتخاری و کرباسی و کمالی اندانی، ۱۳۹۴: ۹-۲۴). در مقاله «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن» نیز بیشترین اهتمام بر مطابقت رفتاری جمهوری اسلامی ایران با اصول و مبانی قرآنی بوده و کمتر از مؤلفه‌های قدرت نرم صحبت شده است (ر.ک: افتخاری و هرسیچ و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۳۸). همچنین در مقاله «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی» نیز صرفاً به موضوع کفر و استکبار و چگونگی استفاده دشمن از ابزارهای قدرت نرم پرداخته شده و کمتر به نگاه قرآن کریم در این خصوص توجه دارد (ر.ک: آقامهدوی و نادری‌باب اناری، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۲۰۴).

آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند و وجه نوآوری آن می‌باشد، اولاً؛ پرداختن به یک موضوع جدید و نشان دادن قابلیت و کارآمدی دین اسلام در پاسخگویی و نظریه‌پردازی در حوزه دانش‌های مختلف بوده، ثانیاً؛ استفاده هوشمندانه از روش‌های تحقیق متن پژوهی برای کشف و استخراج موضوعات قرآنی می‌باشد. استفاده تلفیقی و ترکیبی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت دستیابی به یک سامانه کامل و تصویرسازی از آنچه در لایه‌های عمیق و بطون آیات قرآن کریم در این خصوص نهفته شده، از دیگر ویژگی‌های خاص این پژوهش است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

### روش تحقیق

روش «تحلیل محتوا»،<sup>۱</sup> که روشی علمی برای تفسیر «متن»<sup>۲</sup> است، از جمله روش‌های تحقیقی

1. Content Analysis

2. Text

است که در حوزه علوم انسانی، به خصوص در رابطه با زیررشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ارتباطات کاربرد داشته و به علت اینکه نتایج به دست آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف قرار گرفته است.

«لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹).

برای فهم بهتر این روش باید گفت که بررسی‌های متعارف اجتماعی معمولاً مبتنی بر پرسشنامه هستند، یعنی آنچه توسط پژوهشگر تحلیل می‌شود، پاسخ‌هایی است که به پرسش‌های پرسشنامه او داده شده است، اما در روش تحلیل محتوا درست برعکس عمل می‌شود و به همین دلیل این فن را گاهی فن «پرسشنامه معکوس»<sup>۱</sup> نیز می‌نامند. پرسشنامه نامعلوم است و هدف تلویحاً یافتن این پرسشنامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده و یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسشنامه هستند (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱).

مزیت‌های خاص این روش عبارتند از: استناد به طور دقیق انجام می‌شود؛ استفاده از آن ساده‌تر است؛ به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد؛ و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی در آن جمع‌آوری شده‌اند (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۳۵). زمینه‌های اصلی کاربرد این روش نیز عبارتند از: شناخت موضوع و جوانب آن، شناسایی نظریه‌ها، شناسایی مطالعات و تحقیقات قبلی در این زمینه، جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و تدوین الگوی تحلیلی (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۱۲-۲۱۳). عمده‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا نیز عبارتند از: مطالعه اطلاعات به منظور پاسخ دادن به این سؤالات که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

از قابلیت‌های این روش در مطالعات قرآنی؛ امکان تفکیک آیات قرآنی، طبقه‌بندی موضوعات، دسته‌بندی مضامین استخراج شده و چینش مقوله‌های ساخته شده توسط محقق در کنار یکدیگر می‌باشد که در نهایت این امکان را فراهم می‌آورد تا محقق بتواند بر مبنای آنچه کشف و استخراج کرده، الگو و مدل تولید شده خود را به تصویر بکشد (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۰، کل اثر).

در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای آیات قرآنی در تحقیق حاضر، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده، برای این‌گونه پژوهش‌ها، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری هر کدام از عبارات آیات قرآنی نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

به عبارت دیگر ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر آیه، مفاهیم اولیه تشکیل دهنده، مضامین و نقاط تمرکز آن استخراج شده که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر آیه است. در مرحله دوم با درج عبارات آیه در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم. پس از جمع‌آوری کلیه آیات قرآنی نیز، فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود.

### ۱. مفهوم «قدرت نرم» از منظر اندیشمندان غربی

برخی در بیان مفهوم قدرت به بیان تعریف‌های ساده بسنده می‌کنند، اما باید توجه داشت که «مفهوم‌پردازی»<sup>۱</sup> از «قدرت نرم»، مسئله دیگری است. قدرت نرم در دیدگاه غربی را می‌توان تحت سه رهیافت «جذابیت»، «اثرگذاری غیر تهدیدآمیز» و «کارآیی» طبقه‌بندی نمود که در منابع مختلف به تفصیل معرفی شده است (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۴: ۹-۲۴)

اما در این میان، تعاریف ذیل با توجه به رویکرد تحقیق حاضر شایسته مطالعه و تأمل است: الف) «قدرت نرم مفهوم بسیار گسترده‌تری از اختیار دارد و عبارت است از توانایی افراد یا

گروه‌ها در برانگیختن یا نفوذ کردن در باورها<sup>۱</sup> یا کنش‌های<sup>۲</sup> اشخاص یا گروه‌های دیگر» (French & Raven, 1959: 23).

ب) «قدرت نرم، توانایی اعمال نفوذ، توان تغییر نگرش‌ها یا رفتار افراد و گروه‌ها می‌باشد. قدرت نرم مبتنی بر یک رابطه اجتماعی است که فرد بتواند اراده و نظر خود را به دیگران بقبولاند، حتی اگر آن نظر مخالف نظر سایرین باشد» (لوکس، ۱۳۷۰: ۶۰).

این مفهوم به گونه‌های مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. «قدرت فرماندهی»؛<sup>۳</sup> توانایی تغییر آنچه دیگران انجام می‌دهند که می‌تواند بر توسل به زور یا تشویق متکی باشد.

۲. «قدرت متقاعد کردن»؛<sup>۴</sup> توانایی شکل‌دهی به آنچه دیگران می‌خواهند که می‌تواند بر جذابیت‌های فرهنگی یا ارزشی، و یا قابلیت نفوذ و تغییر در چینش اولویت‌های سیاسی در یک موضوع خاص به گونه‌ای که اولویت‌های دیگران به دلیل غیرواقعی به نظر رسیدن مورد توجه قرار نگیرد، متکی باشد.

۳. «اقتدار»؛<sup>۵</sup> قدرتی که مشروعیت آن بر اساس سنت یا قانون پذیرفته شده است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱۱-۱۹۱).

ج) همان‌طور که اشاره شد، قدرت از نظر ساختاری به دو بخش سخت و نرم تقسیم می‌گردد. قدرت سخت، قدرت آشکار و ملموسی است که منابع آن اقتصاد، تکنولوژی، سیاست، محصولات فرهنگی و آموزشی و نیروی نظامی است و داشتن آنها، موجب تغییر در موقعیت کشور یا افراد می‌شود. اما قدرت نرم، رفتار با جذابیت قابل رؤیت، اما غیر محسوس است. در قدرت نرم، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها سود می‌جوید (غریاق

1. Beliefs
2. Actions
3. Command power
4. Co-optive power
5. Authority

زندگی، ۱۳۹۰: ۱۳). بر اساس این تعریف اگر منابع قدرت، مبتنی بر نوعی از ذهنیت‌ها باشد؛ یعنی بنا بر اعتقادات و باورهای، خواسته‌های بازیگر مقابل را انجام دهد، در اینجا به جای مفهوم «اجبار»، از مفهوم «اقبال» استفاده می‌شود؛ یعنی بازیگر از روی رضایتمندی و نگاه مثبت، خواسته‌های بازیگر مقابل را انجام می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۹).

د) معروف‌ترین تعریف در حوزه قدرت نرم را به «جوزف نای»<sup>۱</sup>، پژوهشگر برجسته آمریکایی نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله سیاست خارجی،<sup>۲</sup> قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفیسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶م در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل» به آن اشاره کرده بود (مولانا، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۳).

مهم‌ترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴م، تحت عنوان «قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» منتشر نمود. وی در این کتاب، قدرت نرم را هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وامی‌دارد، تعریف کرده است، که جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال مختلف کاربردی قدرت نرم هستند (نای، ۱۳۸۲: ۲۳؛ Nay, 1990: 15-17).

ه) «کنرو» از دیگر نظریه‌پردازان این حوزه است که در یک تعریف دیگر، قدرت نرم را قدرت استفاده از یک سری اقدامات پیچیده و پنهان، متشکل از عملیات‌های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت‌های بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف دانسته که از طریق راهکارهای ذیل اجرایی می‌شود:

۱. تغییر باورها، استحاله عقاید و جابجایی دیدگاه‌ها با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای
۲. هجوم به مغزها و نه مرزها. تغییر دیدگاه‌ها و نه قرارگاه‌ها
۳. تقدس‌زدایی از ارزش‌ها و شبهه افکنی در اذهان
۴. تغییر گروه‌های مرجع و شکل‌دهی تضادهای جدید اجتماعی
۵. تخریب اعتمادهای موجود به ارکان و مسئولان حاکمیت در ابعاد مشروعیت و کارآمدی

1. Josep S. Nye

2. Foreign Policy

۶. تغییر و جابجایی مفاهیم زشت و زیبا در فرهنگ جامعه و آسان‌سازی ترویج انحرافات  
۷. هنجارشکنی، ترویج نافرمانی‌های مدنی و تکمیل حلقه مقاومت جامعه در برابر

#### حاکمیت

۸. تغییر ذائقه‌ها و شکاف بخشی کاذب فرهنگی بین نسل‌ها  
۹. توسعه مکاتب کاذب اجتماعی، عرفانی، اقتصادی و غیره

۱۰. ساماندهی جدید نیروهای اجتماعی در قالب N.G.O و بهره‌برداری سیاسی از آنها  
(Kenor, 1973: 14-19)

و) «میشل فوکو»، اندیشمند فرانسوی نیز پس از نای، از جمله نظریه‌پردازان این حوزه محسوب می‌شود. وی معتقد است در قدرت نرم نوعی اجبار (به‌طور غیرمستقیم) از نوع قدرت سخت پدیدار می‌شود و کارکردی دارد که در بسیاری از موارد، قدرت سخت از انجامش عاجز می‌ماند (کالینز، ۱۳۷۰: ۶۳).

علت بیان این تعاریف از سوی اندیشمندان غربی آن بود که بیشتر با مفهوم «قدرت نرم» از منظر ایشان آشنا شده و به نقاط قوت و ضعف این تعاریف و عدم کارآمدی آنها در فرهنگ اسلامی واقف گردیم. در ادامه به منظور پاسخگویی به این سؤال که دین مبین اسلام چه نظری در باب «قدرت نرم» داشته و چه مؤلفه‌هایی برای آن بیان کرده است، با استفاده از روش «تحلیل محتوا» تلاش شده تا مهم‌ترین مضامین مطرح در این رابطه استخراج شوند.

#### ۲. تحلیل محتوای کیفی «قدرت نرم» از منظر قرآن کریم

پس از استخراج آیات مرتبط با موضوع مقاله و تحلیل و دسته‌بندی آنها، مقوله‌های ذیل استخراج شدند (برای آشنایی با فرایند چگونگی اجرای روش تحلیل محتوا در خصوص آیات و احادیث ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۵: ۴۵-۶۷؛ عترت دوست، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۳۲۰):

#### ۱-۲. گونه‌شناسی قدرت نرم در قرآن کریم

قدرت‌های نرم به دو بخش اساسی قابل تقسیم است. یکی قدرت اعطائی به نیروهای ایمانی و جبهه حق و دیگری قدرت اعطائی به نیروهای کفر و جبهه باطل که جزئیات آنها بدین شرح است:



## ۱-۱-۲. قدرت‌های نرم جبهه حق

### ۱-۱-۱-۲. قدرت ایمان

یکی از عوامل بسیار مؤثر برای غلبه بر دشمن در جنگ‌ها، وضعیت روحی و انگیزه قوی برای مقابله با دشمن است. قرآن کریم غلبه ایمان بر کفر و اثر روحیه مقاوم و قوی در برابر دشمن را چنین ترسیم می‌کند: «بَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ»؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر صابر باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند زیرا آنان گروهی هستند (که حقایق توحید و حالات ملکوتیه را) نمی‌فهمند (أنفال: ۶۵).

از طرف دیگر ضعف روحی موجب کاهش میزان توان کسب پیروزی بر دشمن است و لذا در آیه بعدی ضعف ایمان را موجب بر هم خوردن معادله نظامی می‌داند: «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ اما اکنون خداوند می‌داند که ضعفی در شما وجود دارد، و کار را بر شما آسان گرفت: اگر از شما صد نفر مقاوم باشند بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر هزار نفر باشند به فرمان خدا بر دو هزار نفر پیروز خواهند شد، و خداوند با صابران است (أنفال: ۶۶). بنا بر تفسیر علامه طباطبائی منظور از ضعف در این آیه، ضعف در صفات روحی است که بالآخره به ضعف در ایمان منتهی می‌شود. نه ضعف از جهت نفرت و تجهیزات جنگی (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۶۵).

### ۱-۱-۱-۲. قدرت هدایت

از منظر قرآن کریم، هدف اصلی از بعثت انبیاء الهی و فرستادن کتاب همراه با ایشان، برای هدایت بشر بوده است: «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳) و «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ الَّذِي فِيكُمْ وَيُنَظِّقَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الْمَعْرُوفِ وَ يَخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ كَرِيمٌ» (نساء: ۲۶)، اما این هدایت یک معنای عام دارد که علاوه بر اینکه وظیفه اصلی انبیاء و اولیای الهی است، گروهی که از توانایی علمی و عملی برخوردار می‌باشند، نیز وظیفه دارند تا با ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر دیگران را به راه راست هدایت و ارتکاب گناهان باز دارند. از همین

روی قرآن می فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲).

اما نوعی از هدایت است که قدرت و توانائی آن در اختیار عده‌ای خاص از اولیاء الهی قرار می‌گیرد: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴). به اعتقاد مفسرین مراد از مقام امامت، که خداوند در اواخر عمر شریف حضرت ابراهیم (ع) و بعد از موفقیت او در امتحانات الهی به وی اعطا فرموده را غیر از مقام نبوت یا خلافت و یا وصایت و یا ریاست در امور دین و دنیا دانسته و از آن به مقام «هدایت تکوینی» تعبیر می‌کنند. این هدایت بر خلاف هدایت عمومی: رف راهنمایی از طریق نصیحت و موعظه حسنه و بالأخره صرف آدرس دادن نیست، بلکه هدایت امام دست خلق گرفتن و به راه حق رساندن است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۱).

### ۲-۱-۱-۳. قدرت استدلال

اسلام، دین حق و بر مبانی عقلی و فطری استوار است و فرامین الهی نیز مبتنی بر حکمت می‌باشد. لذا خداوند با ارسال انبیاء الهی، احکام الهی را به بشر اعلام نموده است که مشرکین و کفار هیچ عذر و بهانه‌ای در عدم تبعیت از حق ندارند. آیه ذیل بیانگر این مطلب است: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم دهنده بودند تا مردم را [در دنیا و آخرت در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد و خداوند عزیر و حکیم است (نساء: ۱۶۵). حال که عزت مطلقه و حکمت مطلقه و بدون قید و شرط از آن خدای تعالی است، محال است که کسی بر او غلبه کند و حجت و دلیل خود را بر حجت خدا غلبه دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۳۰)، بلکه حجت بالغه تنها برای خدا است: «قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (أنعام: ۱۴۹).

وقتی خداوند و دین او حق است و کفار در مقام احتجاج و برهان مغلوب می‌باشند، مؤمنین نیز که در موضع حق می‌باشند، در مقام احتجاج و استدلال بر کفار غلبه دارند: «وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند (نساء: ۱۴۱). بر این اساس در مقام استدلال و منطق، کفار بر مؤمنین سلطه و غلبه‌ای

ندارند و چنانچه مسلمانان مجهز به سلاح ایمان و منطق باشند، در مباحثات و مناظرات با کفار در حوزه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، پیروز میدان خواهند بود.

#### ۲-۱-۱-۴. قدرت قانون‌گذاری

شارع حقیقی، خداوند است و پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) مبلغ احکام الهی می‌باشند. در عصر غیبت نیز فقها وظیفه استنباط احکام شرعی را از منابع آن‌که کتاب و سنت و عقل می‌باشد، دارا می‌باشند. ایشان در عصر غیبت، علاوه بر وظیفه ابلاغ و استنباط احکام الهی بر مبنای ولایتی که دارند حق قانون‌گذاری برای اداره جامعه در چارچوب احکام شرعی را نیز دارا می‌باشند که از آنها در یک معنای عام به «احکام حکومتی» تعبیر می‌شود. برای مثال پیامبر اکرم (ص) در دوران حکومت خود با توجه به اینکه جامعه مدینه نیازمند رشد و توسعه کشاورزی و دام‌پروری بود؛ به‌عنوان رئیس دولت، مردم را از نگهداری آب مازاد بر نیاز و اجاره زمین منع نمود. و یا برای رفع اختلاف بین مردم از فروش میوه قبل از رسیدن منع نمود (ر.ک: صدر، ۱۴۰۹ق: ۷۲۶-۷۲۸).

آیات متعددی در قرآن کریم، دالّ بر وجوب اطاعت رسول و اولیای امر بوده که ناظر بر این‌گونه فرامین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹). لازم به ذکر است که حق قانون‌گذاری در احکام ثانویه، انعطاف لازم برای اداره جامعه بزرگ اسلامی در شرایط مختلف زمانی و مکانی را فراهم می‌آورد.

#### ۲-۱-۱-۵. قدرت جذب و اقتناع

قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه نه از طریق اجبار یا تطمیع معنا نمودیم. بر اساس این تعریف، خداوند و دین او چنانچه به خوبی شناخته شوند، انسان‌هایی را که از فطرت سالمی برخوردارند، جذب خود می‌نمایند. از رسول خدا (ص) نقل شده است که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»؛ خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست می‌دارد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۳۵ و ۷) و در روایتی منقول از امام رضا (ع) آمده است که: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»؛ اگر مردم خوبی‌ها و زیبایی‌های کلام ما را بدانند، از ما تبعیت خواهند نمود

(ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۷۵) و به همین دلیل بر مبنای آیات قرآن، اوج محبت مؤمنین در مرحله اول نسبت به خداوند تجلی یافته است: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بقره: ۱۶۵).

اعمال قدرت از طرف ولی امر جامعه اسلامی که به ولایت تعبیر می‌شود، دنباله‌روی جامعه اسلامی از مسئولین امر خود را با محبت توأم می‌سازد. ولذا تبعیت مؤمنین از ولی امر علاوه بر اینکه وظیفه شرعی محسوب می‌شود، با عشق و محبت همراه می‌باشد. این قدرت که با عنوان قدرت نرم مطرح می‌شود، جوهره خلقت و هدایت است و مؤمنین اوج محبت خود را متوجه خداوند و اولیاء او می‌نمایند، ولی نسبت به جامعه کفر چنانچه از آیات قرآنی برداشت می‌شود، محکم و شدید می‌باشند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹).

## ۲-۱-۱-۶. قدرت تدافعی نظامی

اگرچه اساس دین اسلام بر محبت و وحدت و همدلی همه ابناء بشر نهفته است و هدف کلی نظام خلقت نیز هدایت همه انسان‌ها به راه مستقیم و به کمال رساندن ایشان است، ولیکن به دلیل مقاومت مستکبران در برابر دعوت‌های الهی و توطئه دائمی آنها علیه نظام دینی که مانع زیادی خواهی آنان است؛ خداوند به مؤمنین دستور می‌دهد که خود را برای مقابله با جریان باطل آماده نمایند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تابه وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد (انفال: ۶۰).

علاوه بر قدرت نظامی، یکی از عوامل مؤثر در دفاع از حریم جامعه اسلامی، نیروی انسانی کارآزموده است. بر اساس آیات قرآن، مدافعان رشد یافته و مؤمنین محکم و قوی، از منابع قدرت و موجب آرامش و اعتماد جامعه می‌باشند: «قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ ءَاوِي إِلَيَّ رُكُنًا شَدِيدًا» (هود: ۸۰).

## ۲-۱-۱-۷. قدرت امدادهای غیبی

مؤمنین علاوه بر اینکه باید با اتکاء به نیروی عقل و تجربه بشری، بهترین و پیشرفته‌ترین وسایل نظامی و رزمی را برای مقابله با کفار فراهم آورند، چنان‌چه در مسیر مستقیم الهی حرکت کنند، مؤید به امدادهای غیبی خواهند بود. این قدرت معنوی و غیبی موجب می‌شود تا مؤمنین حتی با قَلت نیروی انسانی و رزمی بتوانند بر نیروهای کفر غلبه نمایند. مراد از امدادهای غیبی، رساندن مدد توسط فرشتگان به نحو اتصال است، چراکه در جهان بینی الهی، زندگی انسان‌ها با جهان فرشتگان مرتبط است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۰). یاری نمودن مؤمنین به واسطه ملائکه از نمونه این امدادهای غیبی به جامعه ایمانی است: «إِذْ نَسْتَعِثُونَ رَبَّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنَّىٰ مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (انفال: ۹) و (ر.ک: آل عمران: ۱۲۴ و ۱۲۵).

ایمان: بر و تقوی نیز از شرائط دیگری است که در قرآن برای تحقق امدادهای غیبی ذکر شده است. امام خمینی (ره) یکی از معانی «نقی سییل» در آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) را عدم امدادهای معنوی و ظاهری خداوند نسبت به کفار در مقابله با نیروهای ایمانی می‌داند. و در نقطه مقابل مؤمنین را بر مبنای آیه شریفه و آیاتی که بدان اشاره شد، مؤید به تأییدات معنوی و ظاهری و امدادهای ملائکه و وعده فتح و پیروزی می‌شمارد که موجبات قوت و شدت و اطمینان ارتش اسلام را فراهم می‌نماید (ر.ک: خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۵۴۰).

در آیه «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَ هُوَآءًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء: ۲۰) نیز می‌خوانیم که خداوند بخشی از نعمت‌هایش را در اختیار همگان می‌گذارد و نیکان و بدان همگی از آن استفاده می‌کنند. این مطلب اشاره به آن بخش از نعمت‌ها است که ادامه حیات، متوقف بر آن است و بدون آن نمی‌تواند حیات یابد. به تعبیر دیگر این همان مقام رحمانیت خداوند است که فیض عامش، مؤمن و کافر را شامل می‌شود، ولی در ماوراء اینها، نعمت‌هایی است بی‌پایان که مخصوص مؤمنان و نیکان است (مکارم شیرازی و همکاران، ۳۷۳۱، ج ۱۲: ۷۱).

## ۲-۱-۲. قدرت‌های نرم جبهه باطل

در مواردی متعددی در قرآن کریم به نیرو و قوت کفار اشاره شده است. به‌عنوان نمونه به اطرافیان و یاران قارون که کلید گنج‌های او را حمل می‌کردند «أُولَى الْقُوَّة»؛ گروه نیرومند گفته شده است (قصص: ۷۶)، اطرافیان بلقیس نیز خود را افرادی نیرومند و جنگجویانی قدرتمند به حساب می‌آوردند: «أُولُوا قُوَّةً وَ أُولُوا بِأْسٍ شَدِيدٍ» (نمل: ۳۳).

قوم عاد و ثمود نیز از جمله افراد قدرتمندی هستند که در قرآن از آن‌ها یاد شده که دارای کاخ و عمارت‌های برافراشته و کشتزارهای فراوان بوده‌اند، ولی خداوند سرنوشت و عاقبت سوء آن‌ها را درس عبرتی برای دیگران که دارای قدرت کمتری از آن‌ها هستند، می‌داند و به قدرتمندان دیروز و امروز یادآوری می‌کند که: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که عاقبت کار پیشینیانشان چون قوم عاد و ثمود چه شد؟ در صورتی که از اینها بسیار تواناتر بودند و بیش از اینها در زمین کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند و پیامبرانشان با آیات و معجزات برای هدایت آنان آمدند لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند. و خدا درباره آنها هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند (روم: ۹).

### ۱-۲-۱-۲. قدرت کفر

در قرآن مواردی از شیوه‌ها و تاکتیک‌های کفار در مقابله با جریان ایمان اشاره شده است. یکی از این موارد کشتار، نابودی و شکنجه انقلابیون، به‌منظور مهار جنبش‌های الهی و مردمی است. برای مثال حضرت ابراهیم (ع) رهبر مبارزه علیه مستکبران که به قصد هدایت قوم، دعوت خویش را آغاز می‌کند، مورد آزار و اذیت واقع می‌شود: «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (عنکبوت: ۲۴).

همان‌گونه که بیان نمودیم، قدرت واقعی از آن خداوند است که حکمت او اقتضاء نموده که کفار تا حدودی از آن برخوردار باشند. ولی کافران با دیدن قدرت ظاهری خود که می‌توانند در دنیای مادی تاثیرگذار باشد، دچار این توهم می‌شوند که بر امور عالم قادر هستند. نمونه آنها که در قرآن از او نام برده شده، نمرود است. او به دلیل قدرت بی‌انتهائی که برای خود متصور می‌شد، خود را خدای عالم می‌دید و با ابراهیم (ع) درباره پروردگارش محاجه نمود. حضرت ابراهیم نیز با بیان اینکه اگر واقعاً خود را قدرتمند می‌دانی؛ خورشید را که از مشرق طلوع می‌کند، از مغرب بیرون بیاور، به توهم او مبنی بر قدرت بر اعمال نظر در عالم تکوین پایان می‌دهد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸).

در دوران کنونی نیز پاره‌ای از قدرت‌ها نیروی ویژه‌ای، آماده ساخته‌اند که بتوانند آن را در کوتاهترین مدت و در هر منطقه از جهان که منافع نامشروع آن‌ها بخطر بیفتد، اعزام کنند و هر جنبش حق طلبانه‌ای را مهار کنند. این معنا از آیه ذیل قابل برداشت است: «وَاسْتَفْزِرْ مِنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» (اسراء: ۶۴).

## ۲-۱-۲-۲. قدرت استکبار

مبنای قدرت، جذب طرف مقابل با ایجاد عوامل جذاب است، اما این جذابیت‌ها می‌تواند حقیقی و بر اساس زیبایی‌های حقیقی آفرینش باشد که انسان‌هایی را که فطرتاً کمال‌خواه و دوستدار زیبایی می‌باشند، جذب خود نماید. این فطرت سالم می‌تواند زمینه جذب در جبهه حق باشد که آن را به‌عنوان یکی از منابع قدرت در بخش قدرت جبهه ایمان بررسی نمودیم. از طرف دیگر سرشت حیوانی و امیال شهوانی انسان، زمینه را برای تزیین امور توسط جبهه باطل فراهم می‌آورد و بر این اساس انسان‌های تابع هوای نفسانی با اختیار خود جذب جبهه کفر و استکبار می‌شوند.

استکبار آن است که اظهار بزرگی و تکبر کند با آنکه اهلش نیست، مانند شیطان که می‌فرماید: «أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴). تکبر نیز به همان معنی است و شاید تکلف در آن منظور باشد یعنی به زور خودش را کبیر می‌داند. بدترین تکبر آن است که در برابر امر خدا تکبر و از قبول آن امتناع کند مانند: «فَأَهْبِطُ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا» (اعراف: ۱۳). استکبار، گاه از فرد یا گروه یا جامعه‌ای نسبت به دیگر افراد، گروه‌ها و جوامع ضعیف سر می‌زند که همان طلب سیطره و بزرگی کردن بر دیگران است؛ مانند: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَافَةً مِنْهُمْ» (قصص: ۴) که در نهایت می‌فرماید: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (قصص: ۳۹). این آیات درباره رفتار مستکبران فرعون و لشکرانش با مردمی است که در محدوده فرمانروایی وی زندگی می‌کرده‌اند.

در آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ فَيْكُمُ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ لَوْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ لَأَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنَ اللَّهِ لَتَكُنَّ الْأَمْمَارُ لَعْنَتُهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَرَبَّنَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷) اشاره به موضوعی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی دارد بدین مضمون که همواره

گروهی مستکبر و نادان در جامعه هستند که بر خدا و پیامبر تقدم می‌جویند، با گردن‌فرازی تسلیم حق نمی‌شوند، خود را برتر از سخن پیامبر و آیات خدا می‌دانند، بی‌خردانه پیامبر را از پشت محل سکونتش با صدای بلند بانگ می‌زدند و اخبار دروغین را با شایعه سازی پخش می‌کردند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۴۵).

در آیه «فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا» (غافر: ۴۷) و «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا» (اعراف: ۷۵) نیز مستکبرین را با ضعفاء مقابل قرار داده تا هشدار می‌باشد بر اینکه استکبار آن‌ها از نیروی بدنی و مالی آن‌ها بوده که ضعیفان فاقد آنند و خود را ناتوان ساخته‌اند. در آیه ذیل نیز علت استکبار را در اثر جرم و گناه می‌داند و می‌فرماید: «فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (اعراف: ۱۳۳).

## ۲-۲. منابع قدرت نرم در قرآن کریم

از منظر قرآن کریم، منابع قدرت نرم عبارت است از:

### ۲-۲-۱. منشأ گرفتن قدرت نرم از حاکمیت الهی

آیات متعددی در قرآن کریم دلالت بر این مطلب دارند که هر کس هر نوع قدرت، عزت، ملک و سلطنتی دارد، از سوی خداوند است، مانند آیه: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا. وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا. كَلَّا نُمَدِّهُ هُوَ لَا وَهُوَ لَا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا»؛ هر کس بهره زندگی دنیای زودگذر را بخواهد و از سرای آخرت چشم‌پوشد، در این دنیا به هر کس که بخواهیم و هر اندازه بخواهیم بی‌هیچ تأخیری عطا می‌کنیم، آن گاه دوزخ را برای او مقرر می‌داریم تا ملامت شده و مطرود از رحمت خدا به آن درآید و به آتش آن بسوزد و هر کس زندگی آخرت را بخواهد و برای آن تلاشی درخور آن کند و به خدا و پیامبران ایمان داشته باشد، اینانند که تلاششان سپاسگزاری شده و مورد پذیرش خدا قرار خواهد گرفت هر دو گروه - هم دنیاطلبان و هم آخرت طلبان - را از عطا پروردگارت مدد می‌رسانیم، و برای عطا پروردگارت حد و مرزی نیست و از کسی باز داشته نمی‌شود و هر کس به قدر استحقاق خود آن را دریافت می‌کند. (اسراء: ۲۰-۱۸)

این آیات دلالت بر این دارند که: اولاً؛ ریشه و منشأ همه قدرت‌ها در دست خداوند است،



و ثانیاً؛ هر کس بخواهد در دنیا به قدرتی دست پیدا کند، این قدرت به‌عنوان وسیله‌ای برای آزمایش و امتحان به او عطا خواهد شد و عطای الهی محدود به انسان‌های خوب یا بد نیست، بلکه نعمتی است که شامل همه می‌شود.

بنابراین تمام قدرت‌ها در طول قدرت الهی بوده، نه در عرض آن، و در سایه هدایت تشریحی خداوند است که قدرت‌ها جهت و مسیر صحیح خود را پیدا کرده و قدرت مشروع لقب گرفته و از نامشروع شناخته می‌شوند. اکثر اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان، شریعت اسلام را ذاتاً سیاسی می‌دانند. آنان اگرچه از دلایل متعدد برون دینی برای اثبات این مدعا استفاده می‌کنند، اما بیشتر با مراجعه به آیات قرآن تلاش می‌کنند سیاسی بودن شریعت اسلام را ثابت نمایند. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که «حاکمیت» را از آن خداوند معرفی می‌کند و از این طریق بنیان حکومت و حاکمیت در اسلام را بر اراده الهی قرار می‌دهد.

به‌عنوان مثال خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَنْ أَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»؛ و به تو فرمان دادیم که میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است، حکم کن و از خواسته‌هایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش که مبادا تو را بلغزانند و از برخی از آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده است بازگردانند. پس اگر از دعوت تو روی برتافتند بدان که خدا می‌خواهد آنان را به سزای برخی از گناهانشان به گمراهی کشاند، و بی‌گمان بسیاری از مردم از راه خدا بیرون می‌روند (مانده: ۴۹).

حاکمیت الهی به‌عنوان مهم‌ترین اصل حاکم بر اندیشه سیاسی اسلام دلالت دارد. به گفته برخی محققان، معنای این آیات چنین است که خدای تعالی به‌عنوان قانون‌گذار به حاکم، چه پیامبر یا امام باشد یا غیر آن دو، از کسانی که شرایط حاکم اسلامی را دارند، حق حکومت قانونی در میان مردم را داده است تا در میان مردم به آنچه خداوند فرموده، حکم کنند.

همچنین برخی آیات قرآن حاکی از آن هستند که آدمی نمی‌بایست برای خویش استقلال را در قدرت قائل باشد، چرا که هر قدرتی، حتی کمترین نیرو و اراده لازم برای امور ناچیز، وابسته به قدرت و اراده باری تعالی است: «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْءِ اِنِّيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ عَدَاً . اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ»؛ و هرگز در مورد کاری که آهنگ آن را داری مگو: قطعاً من فردا آن را انجام می‌دهم مگر اینکه به همراه آن بگویی: اگر خدا بخواهد (کهف: ۲۴-۲۳).

## ۲-۲-۲. منشأ گرفتن قدرت نرم از عزت الهی

از آنجاکه مفهوم لغوی «عزت»<sup>۱۱</sup>، شکست ناپذیری است و با واژه قدرت از نظر مفهومی هم خانواده است، لذا پیوسته با قدرت ملازمه داشته و چهره دیگری از ابعاد قدرت نرم که می توان آن را «قدرت معنوی» یا «قدرت اجتماعی» نامید، را بیان می کند. در قرآن کریم منشأ عزت نیز همانند قدرت، از جانب خداوند متعال دانسته شده که تأییدی بر هم ریشه بودن این دو واژه در حوزه ادبیات نظری قدرت نرم در قرآن کریم است، آنجا که خداوند متعال می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»؛ هر کس عزت می طلبد، باید آن را از خدا و در بندگی خالصانه او بجوید (فاطر: ۱۰).

همچنین این واژه در حالت توصیفی، عموماً با دیگر اوصافی از خداوند متعال هم نشین شده که با قدرت تناسب دارند، مانند: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می دهند یاری خواهد کرد، چرا که خدا نیرومند و شکست ناپذیر است (حج: ۴۰)، «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ»؛ ولی آنان همه آیات ما را دروغ انگاشتند، ما هم آنان را به عذاب گرفتیم، گرفتن شکست ناپذیری مقتدر (قمر: ۴۲) و «لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»؛ و اگر از آنان پرسشی آسمان ها و زمین را چه کسی آفریده است؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را خدای مقتدر و دانا آفریده است (زخرف: ۹).

## ۲-۲-۳. منشأ گرفتن قدرت نرم از مالکیت حقیقی الهی

در قرآن کریم همه قدرت ها اعم از خوب و بد، منتسب به خداوند دانسته شده است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵)، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ امر آن است که خدا خواسته است و هیچ قدرتی جز در پرتو قدرت خدا نیست (کهف: ۳۹)، «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ بگو: خداوند، ای کسی که فرمانروایی ملک توست، به هر که خواهی فرمانروایی می بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی باز می ستانی. هر که را خواهی ارجمند می داری و هر که را خواهی خوار می سازی، زیرا نیکی ها همه به دست توست، چرا که تو بر هر کاری توانایی (آل عمران: ۲۶).

همچنین سلطنت بر دیگران و تملک اموال نیز در ادبیات قرآنی، نماد قدرت دانسته شده، چنانکه بزرگترین قدرت انسان، تسلط بر دیگران است که همان «قدرت اجتماعی» می باشد. خداوند متعال در قرآن کریم، در ضمن آیات متعددی، مسئله «مُلک» و قدرت مطلق داشتن را نیز به خودش منتسب کرده و می فرماید: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷) و «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۱۸۹).

به عنوان مثال در مواردی که مشرکان و کافرانی همچون فرعون قصد عرض اندام در مقابل خداوند را داشته و سرکشی می نمایند، قدرت نداشتن و ضعیف بودن آنها را به رخشان می کشد و می فرماید: «أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ»؛ یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (پس اگر چنین است بگو: اگر می توانید) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروید. (ص: ۱۰) و «وَوَلَّى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ»؛ فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟ (زخرف: ۵۱).

بی شک از جمله ویژگی های فکری و اخلاقی فرعون که او را به سقوط کشاند، این بود که اولاً؛ این قدرت ها را در اصل از آن خود می دانست و ثانیاً؛ قدرت خود را بالاترین حدی از قدرت می دانست که انسان ظرفیت رسیدن به آن را دارد، و بر همین اساس بود که سرمستانه ادعای خدایی کرد و آشکارا به مردمش می گفت: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ و گفت: منم برترین پروردگار شما» (نازعات: ۲۴).

## ۲-۲-۴. منشأ گرفتن قدرت نرم از قدرت الهی

در یک مرور اجمالی بر آیات شریفه قرآن کریم مشاهده می شود که این کتاب آسمانی مخاطب خویش را دعوت به تأمل در معنای مفهوم قدرت در قالب تقسیمات روشن و معنادار ذیل عناوین «قدرت الهی و قوت بشری»، «قدرت رحمانی و قدرت شیطانی»، «قدرت سخت و قدرت نرم» و تفاوت های هر کدام نموده است. از نظر قرآن همچنین همه انواع و اقسام قدرت از نوع جسمی، علمی، سخت و معنوی حالتی ارزشمند است و تلاش برای کسب آن یا کوشش برای افزایش آن امری شایسته است (ر.ک: هود: ۵۲)

با این همه، خداوند در آیاتی از جمله ۵۱ و ۵۲ سوره زخرف و ۷۶ و ۷۹ سوره قصص، قدرت به ویژه دنیوی و سخت آن را ملاک ارزش گذاری به شمار نمی آورد و در صدد انتقاد از کسانی است که قدرت و ثروت را همچون فرعون، تنها ملاک ارزش انسان می دانند و به عالمان بنی اسرائیل هشدار می دهد که به جای قدرت و ثروت دنیوی، به پاداش های اخروی الهی توجه یابند: «إِنَّ قُرُونَ كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ ... أَوْ لَمْ يَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا ... قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَسَدٌ حَظٌّ عَظِيمٌ . وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلْقِنَهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (قصص: ۷۶-۸۰).

قدرت از سنخ سخت و نرم، مطلوب عقل و خرد آدمی است. بر این اساس شاید بتوان چنین گفت که قدرت دارای ارزش عقلانی است و صاحبان خرد و اندیشه آن را نیک و خوب ارزیابی می کنند. به همین دلیل است که خداوند متعال با توجه به حکم عقل و خرد، مطلوب بودن و ارزشی بودن آن را مورد توجه قرار می دهد و از انسان می خواهد تا آن را در جایگاه درست و شایسته خود بکار گرفته و به غایت الهی خویش دست یابند. از این روست که در آیاتی از جمله ۷۵ سوره نحل با اشاره به نیکو بودن قدرت در نزد خردمندان، ایشان را به تدبیر در امور خود می خواند و از ایشان می خواهد تا قدرت را از خاستگاه درست آن بخواهند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ مَن رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ» (نحل: ۷۵). بنابراین، در قرآن کریم به نوعی سخن از قدرت خوب و قدرت بد به میان آمده است. قدرتی که در صورت استفاده بجا و درست و در راه کمال الهی و رحمانی و در خلاف این امر شیطانی محسوب می شود. از جمله در آیه ۱۷ سوره قصص، به کارگیری قدرت در جهت تقویت مجرمان را قدرت بد دانسته و در آیه ۴۱ سوره حج، به کارگیری آن را برای اقامه نماز و امر به معروف و احقاق حق نیازمندان و پرداخت زکات را به عنوان قدرت خوب شناسایی و ترغیب می نماید. این دسته آیات که بیانگر قدرت های خوب و بد و استفاده درست یا نادرست انسانها از آن است، عبارتند از:

«قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ» (قصص: ۱۷)

«وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ... وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا

مَجْرِمِينَ» (هود: ۵۰ و ۵۲)

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مُمْدِرًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (انعام: ۶)

«لَمْ تَر إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸)

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تلاش شد تا مهم‌ترین مضامین مطرح در رابطه با موضوع قدرت نرم از آیات قرآن کریم استخراج و تبیین شود. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که:

۱. خداوند متعال در قرآن کریم از دو گونه قدرت نرم در قالب دو جبهه حق و باطل یاد کرده است. قدرت‌های جبهه حق عبارتند از: ایمان، هدایت، استدلال، قانون‌گذاری، جذب و اقناع، دفاع نظامی و امدادهای غیبی. در مقابل قدرت‌های جبهه باطل نیز عبارتند از: قدرت کفر و استکبار.
۲. خداوند متعال در قرآن کریم چهار منبع اصلی قدرت نرم را معرفی کرده که عبارت است از: حاکمیت الهی، عزت الهی، مالکیت الهی و قدرت الهی.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقامهدوی، اصغر؛ نادری‌باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی»، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۴.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۹۴)، «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱.
۵. افتخاری، اصغر؛ کرباسی، وحید؛ کمالی اندانی، علی (۱۳۹۴)، «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱.
۶. افتخاری، اصغر؛ هرسیج، حسین؛ مرتضوی، سیدعلی (۱۳۹۴)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۴.
۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ش)، خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. باردن، لورنس (۱۳۷۵)؛ تحلیل محتوا، ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. بشیر، حسن (۱۳۸۷)، تحلیل گفتمان؛ دریچه‌ای رو به فهم متن، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۰. بی‌رویش، مانفرد (۱۳۵۵ش)، زبان‌شناسی جدید، ترجمه: محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. پاکتچی، احمد، (۱۳۸۷)، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تنظیم: محمد جانی پور، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۲. پالمر، فرانک (۱۳۸۵ش)، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
۱۳. پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران، (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱.

۱۴. جانی پور، محمد (۱۳۹۰)، اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین و معاویه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. جانی پور، محمد (۱۳۹۵)، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، دوفصلنامه رهیافتهای قرآن و حدیث، مشهد: دانشگاه فردوسی، شماره ۲۴.
۱۶. حدادی، آمنه (۱۳۸۹)، حس فرامتن در قرآن، تهران: دانشگاه تربیت معلم، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۸. صفوی، کوروش (۱۳۸۲)، معنی شناسی کاربردی، تهران: همشهری.
۱۹. صفوی، کوروش (۱۳۸۷)، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: سوره مهر.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: حوزه علمیه قم.
۲۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۲۲. عترت دوست، محمد (۱۳۹۸ش)، «روش شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان»، مجله حدیث پژوهی، شماره ۲۱.
۲۳. عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)، «بسیج ترجمان آرمان های دفاعی امام خمینی (ره) در پاسداشت امنیت ملی»، مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران و شهیدان استان همدان، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
۲۴. غرایق زندگی، داود (۱۳۹۰)، «چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۵.
۲۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۳)، «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش نامه علوم انسانی اجتماعی، شماره ۲۱.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. کالینز، جان ام (۱۳۷۰)، استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه ها، ترجمه: کورش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی امور خارجه.
۲۹. کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه: هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.

۳۰. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱): روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات توتیا.
۳۱. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۲. لوکس، استیون (۱۳۷۰)، قدرت فرّ انسانی یا شرّ شیطانی، ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۳. مختار عمر، احمد (۱۳۸۶)، معناشناسی، ترجمه: سید حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مولانا، حمید (۱۳۸۹)، اسلام و غرب، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه: سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.
37. French, J.R. p. & Raven. B. (1959). *The Bases of Social power*. In D. cartwrigth studies in social power, Ann Arbor: university of michigan.
38. Kenor, G. H (1973), *Politics Among Nations*, New York: Alfred press.
39. Nye, Josep S. (1990), "soft power", *Foreign Policy*, fall, New York.